

”

گفت و گو با جواد کلاته عربی نویسنده حوزه ادبیات پایداری

در حوالی مستندنگاری جنگ



سید مجتبی طباطبایی

جواد کلاته عربی متولد ۱۳۵۹ در تهران است. در ۲۷ سالگی نخستین کتابش را با موضوع شرح «نامه امام به گور باجف» به رشته تحریر درآورد. بعد از آن ۸ عنوان کتاب درباره تاریخ روایی محله‌های شهر تهران نوشت. او از سال ۱۳۹۱ به بعد، به فعالیت جدی در پژوهش و نگارش خاطرات و زندگی‌نامه‌های شهدا روی آورد. «مگر چشم تو دریاست!»، «در هیاهوی سکوت»، «ماجرای عجیب یک جشن تولد» و «عملیات عطش» به قلم او در همین سال‌ها به چاپ رسید که از این تعداد، برخی در جشنواره‌های ادبی معتبر جایزه‌های برتر شده‌اند. در سال ۱۳۹۲ به عنوان پژوهشگر فیلم‌نامه «ایستاده در غبار» تجربه جدیدی در کارنامه‌اش ثبت کرد و از ابتدای سال ۱۳۹۳ به مدت هفت سال در مؤسسه مطالعاتی ۲۷ بعثت به عنوان معاون ادبیات و پژوهش این مؤسسه به فعالیت پرداخت. کلاته عربی هم‌اکنون به عنوان مدیر انتشارات ایران مشغول به فعالیت است و کتاب‌هایی را در حوزه دفاع مقدس و جبهه مقاومت در دست نگارش دارد. از دیگر فعالیت‌های او می‌توان به داوری در چند جشنواره ادبی، عضویت در شورای سیاست‌گذاری خاطره‌نگاری در بنیاد حفظ آثار ستاد کل و سرپرستی پژوهش فیلم‌نامه یک سریال تلویزیونی اشاره کرد.

به خود دارد که اگر نویسنده از آنها عدول کند در حقیقت از خاطره نگاری فاصله گرفته است. امروز مشاهده می‌شود که در حوزه خاطره نگاری ذائقه‌های داستانی وارد شده و خاطره را به سمت داستان برده است.

این مسئله در جریان داوری‌های نوزدهمین دوره انتخاب کتاب سال دفاع مقدس مطرح شد. پیشنهاد بنده در آن سلسله جلسات این بود که بنیاد حفظ آثار در این قضیه ورود کرده و با تعامل و همکاری با اساتید بزرگ این حوزه این مسئله را مدیریت کند. اساتید حوزه نویسندگی می‌توانند ژانرهای مختلف را به رسمیت شناخته، تعریف علمی مشخصی برای آن ارائه کرده و حدود هر کدام را مشخص کنند و از این طریق روش و نقشه راه مشخصی را پیش روی نویسندگان قرار دهند. امروز در حوزه خاطره نگاری کتاب‌های بسیار جذاب و خوبی تولید می‌شود اما در واقع از حوزه مستند فاصله دارد، از این جهت این مسئله نیاز به مباحث کارشناسی دارد و باید توسط متخصصین و اساتید امر، گونه‌های مختلف این حوزه تعریف، تبیین و ارائه شود.

ورودتان به حوزه نقد جدی فضای ادبیات پایداری هم همین نکات را دربر دارد. سلسله جلساتی که با همکارانتان در این حوزه داشتید و خروجی اش مجموعه «فرخو» شد.

بحث‌های ما در حوزه نقد مستندنگاری درباره همین مسائل است. برای مثال خاطره‌نگاری پرچم‌ترین، پرمخاطب‌ترین و جذاب‌ترین تولیدات در حوزه مستندنگاری هستند اما متأسفانه امروز کتاب‌هایی که در این حوزه تولید می‌شود با آسیب‌هایی مواجه هستند. برخی از عناصری که در حوزه مستندنگاری اعم از خاطره‌نگاری و زندگینامه نویسی وارد شده است اساساً ربطی به این حوزه ندارد. به عنوان مثال بحث خیال پردازی، در مستندنگاری جایگاهی ندارد. با تعدادی از دوستانی که در این حوزه فعالیت می‌کنیم به این مسئله حساس بودیم و این مسئله را گام اول با یکی از کتاب‌های شاخص در این حوزه بررسی کردیم و مورد توجه قرار دادیم.

از دیگر عناصری که به حوزه مستندنگاری وارد شده و ارتباطی با این حوزه ندارد می‌توان به ورود ادبیات شعاری، شاعرانه، غلوآمیز و بزرگ‌نمایی اشاره کرد. ورود این عناصر به حوزه مستندنگاری اصالت آن را از بین می‌برد. برای مثال اگر قرار است کتابی با عنوان زندگینامه یک شهید نگارش شود، مخاطبین عام یا خاص آن کتاب انتظار دارند با ویژگی‌ها، کنش‌ها و واکنش‌های شهید در شرایط مختلف در کتاب مواجه شوند نه مطالبی که ساخته و پرداخته ذهن نویسنده است. همین نقد و نکته مهم را می‌توان در حوزه فیلم و سریال نیز تسری داد. اگر قرار است فیلمی با موضوع جنگ ساخته شود مخاطب انتظار دارد واقعه تاریخی مربوط به آن را در فیلم ببیند نه داستانی که از ذهن نویسنده فیلم‌نامه تراوش کرده است. البته در حوزه فیلم و تلویزیون دست نویسنده و کارگردان در پرداختن به قصه بازر است اما همین باز بودن دست نیز نمی‌تواند بی حساب و کتاب باشد و نمی‌شود دخل و تصرف نامحدودی در فیلم اعمال کرد. نمی‌توان فیلم یک واقعه تاریخی را ساخت بدون آنکه اهمیتی برای نسبت

طبیعی پدیده خوبی است اما نکاتی در این اتفاق وجود دارد که باید مورد توجه قرار بگیرد. به نظر می‌رسد علاقمندان به نویسندگی در حوزه مستندنگاری جنگ که شامل خاطره نگاری و زندگینامه نویسی است به مرزهای داستانی سوق پیدا کرده‌اند و گونه‌های مختلف مستندنگاری ذائقه داستانی پیدا کرده‌اند، این مسئله نکته مهمی است که باید مورد توجه و بررسی کارشناسان قرار بگیرد. ذائقه داستانی پیدا کردن مستندنگاری در بعضی از حوزه‌های تخصصی یک افت محسوب می‌شود. برای مثال خاطره‌نگاری اصول و عناصر مخصوص

زیاد شده است. نویسندگان بسیاری هم که در عرصه‌های رمان و داستان فعالیت می‌کردند نیز به حوزه مستندنگاری، خاطره نگاری و زندگینامه نویسی سوق پیدا کرده‌اند. البته در این زمینه آمار دقیقی ندارم و نمی‌توانم با قطعیت بگویم که آمار کتاب در این حوزه افزایش پیدا کرده اما آنچه به نظر می‌رسد این است که اقبال عمومی خوبی در این عرصه رقم خورده است.

این استقبال نوقلمان از این حوزه هم فرصت است و هم تهدید.

افزایش اقبال به حوزه مستندنگاری به طور

در این چند سالی که در حوزه ادبیات پایداری قلم زدید فضای عمومی زمینه فعالیت خود را چگونه توصیف می‌کنید؟

من در عرصه ادبیات پایداری و ادبیات دفاع مقدس با رویکرد مستندنگاری در حوزه جنگ فعالیت کردم. کتاب‌هایی که تا کنون نوشتم در ۲ دسته زندگینامه نویسی و خاطره نگاری قرار می‌گیرد که هر دو زیرمجموعه مستند نگاری هستند. عمر نویسندگی و فعالیت‌های ادبی‌ام حدود ۱۶ سال است اما ورودم به حوزه ادبیات دفاع مقدس به صورت جدی تقریباً به ۱۰ سال پیش برمی‌گردد. کار جدی در حوزه مستندنگاری جنگ در حیطه شغلی، علایق و دغدغه‌های شخصی قرار می‌گیرد. به دلیل علاقه شخصی و دغدغه‌ای که در رابطه با این حوزه دارم، در این ۱۰ سال زمان‌های شخصی و ساعت‌های استراحتم در منزل را هم در راستای مستندنگاری جنگ متمرکز و طی کردم. در این سال‌های اخیر یک اتفاق خوبی رخ داده است که هر ساله نویسندگان نوقلم بسیاری یا به عرصه نویسندگی در موضوع جنگ و جبهه به خصوص مدافعان حرم می‌گذارند. به طور کلی علاقه به مستندنگاری

از دیگر عناصری که به حوزه مستندنگاری وارد شده و ارتباطی با این حوزه ندارد می‌توان به ورود ادبیات شعاری، شاعرانه، غلوآمیز و بزرگ‌نمایی اشاره کرد. ورود این عناصر به حوزه مستندنگاری اصالت آن را از بین می‌برد

”